

مشاوره

محمد فولادی

خویش مراجعه نماید و چاره درد خویش را بیابد طبیعی است عقل سلیم قسم دوم را معیار و ملاک عقل قرار می‌دهد.

مسئله تقلید در احکام دین و رجوع افراد به مجتهدان جامع الشرایط در پیروی از احکام دینی از همین باب می‌باشد.

فهم احکام دین و استنباط آن از قرآن و روایات برای فردی غیر از مجتهد امری بسیار سخت و در حد محال می‌نماید چه، چنین فردی باید از چندین رشته علمی آگاهی کامل داشته باشد. علم صرف، نحو، منطق، تفسیر، کلام حدیث، رجال، اصول، فقه، لغت، درایه و... برای فردی عادی آگاهی از این همه علوم ممکن نیست. در حالی که فرد مجتهد با آگاهی کامل و نسبی از این علوم و با نمود در مباحث دینی و استنباط احکام شرعی در تمام فتوا حکم دینی بر می‌آید. افراد عادی از باب این که افرادی جاهل به مسایل و استنباط احکام دینی هستند - هر چند

متخصص و عالم نسبت به رشته

علمی خویش باشند - به مجتهدان

جامع الشرایط مراجعه و احکام

دینی را از ایشان اقتباس و مبنای

عمل خویش قرار می‌دهند. جالب

این که تقلید در خصوص خود مراجع

تقلید نیز صادق است. ایشان وقتی

بیمار می‌شوند به پزشک مراجعه

می‌کنند در ساختمان سازی به

معمار و بنا مراجعه می‌کنند و...

بنابراین، تقلید امری عقلی و شرعی

است که در تمامی حیات بشری

جاری و ساری است البته تقلید به

غیر از نوع چهارم امری ناپسند و

نامیمون است.

البته لازم به یاد آوری است همان

گونه که عقل سلیم حکم می‌کند در

بیماری به پزشکی که حاذق‌تر و

متخصص‌تر است مراجعه شود در

احکام دینی هم باید به مجتهد و

فقیه جامع الشرایط ماهر‌تر، استادتر

و عالم‌تر که سرآمد دیگران است

مراجعه نمود. بنابراین می‌توان

صرفاً از فردی که مجتهد است و

صاحب فتوا تقلید کرد باید تقلید از

عالم‌ترین و آگاه‌ترین مجتهدان

نمود و این مطابقت با تأکیدات شرع

و حکم عقل و فطرت بشری است

که در تمام حیات بشری جاری و

مرسوم است.

جاهل و غیر متخصص به فرد عالم و متخصص در هر مسأله‌ای را تقلید گویند. این نوع تقلید در تمامی مظاهر حیات بشری و زندگی همه انسان‌ها به طور روز مره وجود دارد و مطابق با عمل انسان امری منطقی و مطابق فطرت آدمی است. بر اساس همین معیار، مینا و متعلق است که انسان‌ها در زندگی به پزشک، معمار، نجار، خیاط و... مراجعه می‌کند و مشکل خویش را رفع می‌کنند.

برای مثال فردی بیمار برای معالجه خویش یک از دو راه را در پیش روی خود دارد:

۱. به هر فردی که می‌رسد مشکل و بیماری خود را مطرح کند و او نیز دارویی را تجویز و طبق نظر یک فرد غیر متخصص (غیر پزشک) مشکل خود را حل می‌کند. طبیعی است که نه تنها انتظار بهبودی چنین فردی نمی‌رود که وخامت حالت بیماری ایشان امری طبیعی خواهد بود.

۲. ایشان به طبیب متخصصی در نوع بیماری

تقلید؛ چرا و چگونه؟

متأسفانه چند صباحی است که بنیان‌ها و مبانی و ارزش‌های دینی ما مورد جبهه بیگانگان و عناصر داخلی آنان واقع شده است. برخی نیز به بهانه ادای روشنفکری و تقلید از روشنفکران غربی اصول مسلم و مسلمات دینی را زیر سؤال می‌برند یا اندک تأمل و دقتی می‌توان به استدلال‌ها و توجیهات سست ایشان پی برد. در این مقال، نیم نگاهی به بحث «تقلید» و چرا و چگونگی آن می‌افکنیم.

«تقلید» در لغت به معنای پیروی از افکار نظرات و روش فکری دیگران است. در اصطلاح شرعی، تقلید به پیروی شخصی جاهل در احکام دینی از مجتهدان جامع الشرایط اطلاق می‌شود.

انواع تقلید

اجمالاً چهار فرض می‌توان در مسایل زندگی یا احکام شرعی در خصوص تقلید بر شمرد:

۱. تقلید و پیروی جاهل از فرد جاهل:

برای مثال، فردی عادی در خصوص ساختمان سازی، فردی را که هیچ گونه آگاهی و شناختی از مسایل فنی و ایمنی ساختمان و نظام مهندسی ندارد، به عنوان مهندس ناظر ساختمان خود انتخاب کند. بدیهی است که به چنین ساختمانی از لحاظ ایمنی و مهندسی نمی‌توان اعتماد و اطمینان حاصل کرد و احتمال تخریب چنین ساختمانی هر آینه محتمل است.

۲. تقلید عالم از فرد جاهل:

این نوع تقلید و پیروی نیز صحیح نیست. برای مثال، فردی که در زمینه طب سر رشته دارد از اطلاعات آگاهی و تخصصی لازم برخوردار است به فردی جاهل مراجعه و از نظرات ایشان بهره گیرد روشن است که این نوع تقلید در تمرین نوع پیروی است که فردی عالم از فردی جاهل تقلید کند.

۳. تقلید عالم از عالم:

روشن است که پیروی فرد عالم از عالم اساساً از قلمرو بحث تقلید خارج است چه تقلید عالم از عالم به منزله تقلید و پیروی عالم از علم خویش و با علم دیگران است. در هر صورت تقلید و پیروی از علم است و تقلی بر آن اطلاق نمی‌شود.

۴. تقلید جاهل از عالم:

معنای صحیح تقلید همین قسم است؛ به عبارت دیگر، رجوع فرد

